



پاسخ کودتای سی خرداد انقلاب خلقهاست

با قیام بهمن خفقان و دیکتاتوری محمد رضا شاهی بدست توانای مردمان در هم شکسته شد. انقلابیون در بند آزاد شدند و سازمانها و گروههای انقلابی در همه جا به مبارزه برای احقاق حقوق مردم پرداختند. مردم مبارز مادرکارخانه و مزرعه، دانشگاه و مدرسه، کوچه و خیابان و..... در همه جا به بحث و تبادل نظر در باره انقلاب و خواستهای خود پرداختند. خلاصه اینکه در جامعه بقیه در صفحه ۲

خلقهای طهران ایران بعد از کودتای خائنانه محمدرضا شاه در ۲۸ مرداد دست از مبارزه انقلابی خود بر نکشیدند و مبارزات خود را در عرصه های مختلف به جلو بردند و بالاخره پس از سالها جانفانی با قیام طهرانانه خود در سال ۱۳۵۷ هجری قمری که لاسرزه بر اندام تمام مرتجعین و امپریالیستها انداخته توانستند به قدرت اسلحه رژیم منفور پهلوی این نوکر سرسپرده امپریالیسم آمریکا را سرنگون سازند.

نوکران آمریکا، دوستان جمهوری اسلامی

در اوایل اردیبهشت ماه رژیم خمینی با بوق و کرنا خیر لشکر کبی ۴۰۰ نفره بازرگانان و تجار و دلان و سرمایه داران ترکیه را به ایران اعلام کرد. اوزداغلاز سر پرست این هیئت اعلام کرد هدف این مسافرت نکات زیر میباشد: بقیه در صفحه ۴

بحرانهای امپریالیسم انگلیس و اعتصاب کارگران معدن



اینبار نیز این کارگران انگلستان هستند که بایستی غرامت بحرانی را که گریبان امپریالیسم بر انگلستان را گرفته به پرداختند. بحرانی که در اوایل دهه ۲۰ در جهان امپریالیستی آغاز گردیده همچنان ادامه دارد و امپریالیسم به منظور ادامه حیات انگلستان خود با تمام وجود سعی در سلب و انتقال بحرانهایش بر دوش کارگران خودی و خلقهای کشورهای تحت الطقه را دارد. بقیه در صفحه ۳

"پلورالیسم" عمال امپریالیسم

در حاشیه حوادث کوی دانشگاه پاریس (سیتیه)

آزادی و ازمای مقدس و روحبخش است و همواره در طول تاریخ بزرگترین جنایات و تبهکاریها دریناه تظاهر به حفظ آزادی از سوی حکام خود گامه و ابزار سرکوبگران بر علیه خیل توده های درینند انجام گرفته. محمد رضا شاه و رژیمهای سواولوی در طول سالهای سیاه حکومت اختناق پهلوی ایران را "دموکراتیکترین" کشور دنیا می نامیدند که گویا جوامع "دموکراسی" قرب برداشتن چنان اوضاعی حصادت میورزیدند! بقیه در صفحه ۵

افتضاح انتخابات در زاهدان

در جریان انتخابات زاهدان بعلمت تضادهای موجود بین کاندیدها، امام جمعه و استاندار این شهر اسم یکی از کاندیدها (آقای زابلی) را حذف مینمایند. در تاریخ چهارشنبه ۲۲ فروردین زابلی و طرفدارانش در خیابان خمینی زاهدان جمع میشوند. مردم فرصت را جهت مبارزه بر علیه رژیم خمینی غنیمت شمرده و بسه خیابانها میریزند. تظاهرات راه می افتد به دفتر و خانه امام جمعه حمله میشود و اموال او مصادره میگردد. مردم شعارهای ضد رژیم داده و با چوب و چماق به مقابله با پاسداران پرداختند. بقیه در صفحه ۶

وقایع جنوب آفریقا
و نظرات حزب توده خائن



بقیه از صفحه ۱۰ وقایع جنوب آفریقا ...

اما ورق پاره " راه توده " نشریه هواداران حزب توده خائن در خارج از کشور در شماره ۸۴ (۲۹ اسفند ۶۲) در مورد این تشبیر و تحولات در مقاله‌های بنام " گفتگوهای سیاسی میان کشورهای جنوب آفریقا " وقایع را عدا وارانسه جلوه داده و سعی در توجیه مسائل بنفع ابرقدرت روسیه و ارتجاعیون منطقه نموده است . بقتضای این مقاله توجه نمائید " نمایندگان انگولا ، امریکا ، آفریقای جنوبی بایکدیگر دیدار کردند . در این دیدار ، مسئله دور کردن ارتش‌های جنوب آفریقا مطرح شد . شرکت کنندگان در این گفتگو توافق کردند که واحدهای ارتش آفریقای جنوبی که هنوز جنوب انگولا را در اشغال خود دارند آنجا را ترک کنند . در موزامبیک ، گفتگوها پیرامون عادی کردن مناسبات میان دو کشور بود هم انگولا و هم موزامبیک ... اکنون که پشت میز گفتگو نشسته‌اند معنی عقب نشینی از مواضع پیشین نیست طی این گفتگوها تاکید شد که انگولا از مبارزین خلق نامیبیا ، وزیر رهبری سواپو برای استقلال و آزادی پشتیبانی می‌کند . ژواکیم شیسانو وزیر امور خارجه موزامبیک از جانب خود در روزنامه (نوتیسایش) نوشت : " موزامبیک همچنان از کنگره ملی آفریقا در پیکار علیه جداسازی نژادی پشتیبانی میکند " (تاکید ها از ماست)

حزب خائن و مرم فروش توده وقایع را چنان توضیح می‌دهد که گویا آب از آب تکان نخورده و مسئله فقط پیرامون عادی کردن مناسبات دو کشور است و قضیه را طوری وانمود کرده است که مبارزین کنگره ملی آفریقا و مبارزین سواپو هر دو با این قراردادها موافقت . این دروغ محض است . با مراجعه به اخبار و گزارشات مختلف (مافلا فقط به اخباری از آنان اکتفا میکنیم) بعد خیاقتها و جنایاتی را که بر علیه این دو انقلاب شده است خواهیم دید . حزب خائن توده بنقل از وزیر خارجه موزامبیک (آنهم از قول خودش نه دولت موزامبیک) میگوید کسه از مبارزات ک.م.آ. دفاع خواهد کرد . آنهم چه مبارزه‌ای ، علیه جداسازی - نژادی ! ک.م.آ. برای سرنگونی رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی همچنگ نسه جداسازی نژادی ! حرف زدن آسان است ، " انگولا از مبارزه خلق نامیبیا پشتیبانی میکند " ، ویا در بیانیه مشترک رئیس‌جمهور انگولا و کوبا از سواپو و ک.م.آ. دفاع میشود ولی در عمل سواپو و ک.م.آ. سرکوب میشوند و جنایاتی و جنایتهای حزب توده این جاسوس ابرقدرت روس ، فقط نصیب خلقهای ایران نمیشود . هر جا که منافع ابرقدرت روس و ایادیش در خطر باشد چاکر منشی و خوش خدمتی را بعهده میگیرد .

مخالفانه نشریه جهان (نشریه دانشجویان هوادار سازمان چریکهای فدائی در خارج از کشور - شماره ۱۸ ، اسفند و فروردین ۶۳) در مقاله ای تحت نام " نامیبیا : مبارزه برای استقلال اوج میگیرد " . تنهها هیچ اشارهای به تحولات - اخیر نمیکند بلکه اساسا بدفاع از موافقت های انگولا و آفریقای جنوبی می پردازد . چندی قبل با تهدید اتحاد جماهیر شوروی در مورد دخالت نظامی و حمایت از جنبش سواپو ، دولت انقلابی انگولا ، نمایندگان سه کشور انگولا ، امریکا ، آفریقای جنوبی روز ۱۶ فوریه در کشور نامیبیا بمنظور آتش بس و اتخاذ تصمیم نهایی در مورد استقلال نامیبیا پای میز مذاکره رفتند چریکهای سواپو ... مورد حمایت پت کشورهای شرقی ، سوسیالیستی منجمله کوبا ، شوروی و انگولا نیز بودند " (تا - کید از ماست) هیئات ! این کائنات رفقای هوادار سازمان چریکهای فدائیس خلق به بعد انحرافات خود می میرند و با چشمان باز بمواقعات جهان مینگریستند . مخالفانه انحراف این رفقا در مورد ابرقدرت شوروی بسیار خطرناک بوده و بحال انقلاب ایران شدیداً مضر است .

خلاصه کرده باشیم ، این قراردادها برای سرکوب انقلاب در منطقه است . اختلافات این کشورها که بر بنیاد اختلافات دوا بر قدرت شکل گرفته باشد ناراضیاتی در داخل این کشورها از شدت تصادمات کاسته و مبارزه بر علیه انقلاب در داخل هر یک از این کشورها عمدتاً ماست ولی باین معنی نیست که اختلافات ابر قدرتها در منطقه از بین رفته . بهین جهت رژیم آفریقای جنوبی برای سرکوب مبارزات مردم بودجه دفاعی کشورش را ۲۱/۴ درصد افزایش داده و به ۲/۰۸۶ میلیارد دلار رسانده است . بودجه پلیس ۴۴ درصد و پلیس مخفی ۲۵ درصد بالا رفته است . (گاردین ۲۹ مارس ۸۴)

صحنه‌های مان را بانقل قول کوتاهی از سخنان نخست وزیر آفریقای جنوبی در موقع امضا قرارداد ۱۶ مارس با موزامبیک خاتمه میدهیم . " با اضاء این قرارداد قدم بزرگی در تاریخ جنوب آفریقا برداشته شده ماهه جهان نشان دادیم که کشورهای که از لحاظ اجتماعی - اقتصادی بایکدیگر فرق دارند میتوانند در کنار هم در صلح و صفا زندگی کنند " (گاردین ۱۷ مارس ۸۴) . منظور از صلح و صفا یعنی سرکوب انقلاب و استثمار بیشتر توده‌های محروم کشور - هائی که از لحاظ اجتماعی - اقتصادی بایکدیگر فرق دارند بهتر گفته باشیم یعنی کشورهائی که هر کدام به یک ابرقدرت وابسته‌اند . دوا بر قدرت و ارتجا - عیون وابسته چه آنها با وجود تضاد بایکدیگر بر سر سرکوب انقلاب هم نظر بود و باهم به سرکوب آن میروند . تنها راه نجات تکی بودن بخود و قسوا ی خود و بر علیه هر دوا بر قدرت است و بس !

آکسیون سراسری
بقیه از صفحه ۱۲

فالتواهای مستقر در سفارت مسلح به چوب و بنجه بکس و چاقوه به رفتای اشغال کننده که تعدادشان فقط اکتون بود حمله ور میشوند . هنگامیکه رفتای هوادار سچفا در سفارت بودند چند تن از شاهپرست های خائن با بیرون آوردن عکس توله سگتاه سعی کردند که ایسن حرکت را بخود نسبت دهند که با افشاگری رفتای ستاد که در محل حاضر بودند روبرو شده پلیس آنها را متفرق کرده در ضمن تعدادی از اوباشان رژیم که خبر اشغال سفارت را شنیده بودند از اطراف و اکناف جمع شده بودند و مدام بوسیله تلفن از اوضاع درون سفارت با خبر میشدند . تعدادی از رفتای ما با رفتای هوادار سچفا بدون سازمانی قبلی در بیرون از سفارت شروع به شعار دادن بر علیه

رژیم تبهکار خمینی و اوباشان صدراتی از شهرهای دیگر کردند که آنها هم بس از مدتی شعار دادن و گفتن " الله اکبر " در مقابل شعار مرگ بر خمینی بالاخره از میدان بدر رفته و محل را ترک کردند حرکت انقلابی اشغال سفارت با وجود موفق بودن آن بطور کلی نقطه ضعفی در خود داشت و آنها با فشاری این رفقا بر حرکت منفردانه و با فشاری بر عدم همکاری با نیروهای دیگر میباعد .

مسئله تاراندن امپریالیسم و سرنگون کردن رژیم خمینی و آزاد کردن زندانیان سیاسی و بالاخره بر قراری جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه - کارگر خواست کلیه نیروهای انقلابیست و برای رسیدن به این خواستها نیاز به اتحاد و همکاری مشترک میباشد . باشد که در آینده رفقا از تگروی دست برداشته و نیروهای دمکرات و انقلابی بتوانند آکسیونهای افنا گرانه و متحدی برگزار کنند .

بقیه از صفحه ۱

بحرانهای امپریالیسم ...

اعتصاب کارگران معدن انگلستان در اعتراض به برنامه بستن بیش از ۲۰ معدن و که به اخراج بیش از ۲۰/۰۰۰ نفر کارگر معدن خواهد انجامید و آنها را به خیل عظیم بیکاران خواهد افزود هر روز اوج بیشتری می گیرد.

بیکاری در انگلستان غوغا میکند و یکی از بدترین موقعیتهای خود بصری بسرد هم اکنون بیش از ۳ میلیون نفر بیکار در انگلستان موجود است و این تعداد هر روز ربه افزایش است و کوچکترین نشانه ای در جهت بهبود این اوضاع نیست. بحالت وخامت اوضاع اقتصادی هر روز کارخانه ها یا شرکتهای خصوصی از آنها تعطیل و تعداد عظیمی از کارگران اخراج میگردند و به خیل عظیم بیکاران جهان سرمایه داری میپیوندند. در سال ۱۹۸۰ بر اثر بسته شدن قسمتی از کارخانجات صنعت فولاد در انگلستان تعداد زیادی از کارگران آن بیکار گردیدند. این کارگران در مقابل با این حرکت فاشیستی و ضد کارگری به دلایلی که در موردش بحث خواهیم کرد نتوانستند از این سیاست جلوگیری کنند و عمل مبارزات کارگران بشکست انجامید و وحالا نوبت کارگران معدن است که بار ناشی از بحرانهای تصویق یافته امپریالیستها را بر دوش کنند.

امپریالیسم انگلستان که در گذشته از مبارزات کارگران معدن ضریح فراوانی خود رده و پس از آنکه اعلام کرد که دیگر تولید ژغال سنگ در بسیاری از معادن برای اقتصاد انگلستان باصرفه نیست و تصمیم به بستن بیش از ۲۰ معدن را در معرض ۱۲ ماه آینده گرفت. کارگرانی که سالهای متمادی را با تحمل استتار وحشیانه در معادن تنگ و تاریک گذرانده اند باخطر اخراج روبرو می گردند. آنها پیوسته از این تصمیم متعاقبا از انجام کار صرباز میزنند و خواستار اعتصاب میگردند. مسئله این اعتصاب از رویای مختلف قابل بررسی است و از زوایه دستگاههای سر کوب و طبقه حاکمه و از زوایه کارگران و همچنین از زوایه رهبری این اعتصاب که هر کدام بجنوبی حائز اهمیت میباشند.

مبارزات کارگران معدن در سال ۱۹۷۴ بیکار موفقی گردیده بود که دولت محافظه کار آقایی ادوارد هیت را به پائین بکشد اما مبارزات کارگران معدن سابقه طولانی تر نیز دارد و همیشه یکی از ضریحانهای حیاتی امپریالیسم انگلیس یعنی ضایع ناشی از تولید ژغال سنگ را در معرض خطر قرار داده است. به همین دلیل رژیم محافظه کار خانم تاچسر از قبل به زمینسازی در میان کارگران برای کنترل " مبارزات دست زده است. از آنجا که عکس العمل کارگران معدن نسبت به این تصمیم از قبل معلوم بود همین دلیل از مدت ها پیش دولت با ایجاد امکانات نسبتا بیشتر برای بخشی از معدنچیان در نواحی ناتینگهام - شایرو " اطمینان " دادن به این که معدنهای این ناحیه در معرض بسته شدن قرار نخواهد گرفت و همچنین پرداختن " فوق العاده " به سرخرشی از این کارگران سعی در ایجاد تفرقه و دودستگی در میان کارگران را نمود و از طرف دیگر یک طکرگر یکی از هائزترین کارگزاران امپریالیسم که از ایالات متحده آمریکا وارد شده بعنوان مدیر عامل " شرکت ملی ژغال سنگ " گمارده شده است. آقای طکرگر در سال ۱۹۸۰ مدیر عامل کارخانه فولاد در بریتانیا بود که طرح بستن چند کارخانه را داده و اخراج چندین هزار کارگر را موجب شده بود. وحالا ماوریتش اخراج بیش از ۲۰/۰۰۰ نفر دیگر از کارگران معدن میباشند.

کارگران خشمگین بخصوص در نواحی یورکشایر و اسکاتلند و مناطقی که احتمال بسته شدن معدن آنها در آنجا بیشتر میباشند و خواستار اعتصاب گردیدند و بدنیال آن اتحادیه کارگران پس از تشکیل کمیته نمایندگان در شهر شفیلد در هنگامی که چند هزار کارگر در مسیر از ساختمان آمادگی خود را برای اعتصاب اعلام می کردند و بهای یک اعتصاب عمومی رفتند و علیرغم عدم شرکت کارگران ناتینگهام شایر و جنوب ولز در اولین روزهای اعتصاب بیش از ۱۰۰/۰۰۰ نفر از کارگران در سراسر بریتانیا به اعتصاب پیوستند و علیرغم تلاش دولت و نیروهای سرکوبگر آن برای جلوگیری از گسترش مبارزه در فاصله یک هفته بیش از ۱۳۶/۰۰۰ نفر

از کارگران در اعتصاب بودند و ۱۳۲ معدن بسته و حتی در ناحیه ناتینگهام - شایر ۹ معدن از ۲۵ معدن موجود نتوانست بکار خود ادامه دهد و بسته شد.

کارگران با فعالیت فوق العاده ای بخاطر گسترش مبارزه بر علیه این اقدام فاشیستی دولت با پلیس های فاشیست وارد مبارزه گردیدند و با برگزاری تظاهرات و پیکت در مقابل معدنهایی که همچنان به کار ادامه میدادند سعی داشتند که اینس کارگران را به مبارزه جلب کنند. اما پلیس سرکوبگر امپریالیسم انگلیس بدستور اربابان خود با یکار بستن نیروی عظیمی از خود به درگیری با معدنچیان و دست گیری بسیاری از آنان پرداختند. پلیس حتی کارگران را در جاده ها متوقف کرده و به دستگیری آنها مبادرت می نمود و در ادامه آن کارگران به صد کردن راه ها و ایجاد ترافیک سنگین بوسیله رانندگان آهسته ماشینها در اتوبان ها پرداختند. در پیوسته همین اعتصاب دولت بخاطر " فریب کارگران " تصمیم گرفت که مبلغ معینی پول را که به کارگران اخراج شده معدن می پردازد تا حد نسبتا زیادی افزایش دهد ولی این تصمیم نتوانست در اعتصاب کارگران تاثیر گذار باشد. و علیرغم تمام کوششهای رژیم برای ایجاد تفرقه در میان کارگران و مبارزات آنها همچنان ادامه دارد.

مسئله حائز اهمیت در شرایط کنونی بررسی تجربیات گذشته این نوع مبارزات کارگران میباشند. تجربه اعتصاب کارگران صنایع فولاد در سال ۱۹۸۰ نشان داده که با وجود تلاش و اعتصاب طولانی کارگران بر علیه اخراج دولت نتوانست تا مدت زیادی فولاد مورد احتیاج خود را از سایر کشورهای امپریالیستی وارد نماید و از ضربه زیادی که میتوانست اعتصاب کارگران فولاد وارد کند جلوگیری بعمل آورد این مسئله در شرایط کنونی نیز صادق است و پیروزی کارگران معدن تنها در مبارزات خود آنها خلاصه نمی شود بلکه پشتیبانی سایر کارگران در بخشهای مختلف بخصوص حمل و نقل و میتواند نقش موثری را ایفا کند و بدینوسیله با جلوگیری از رساندن ژغال سنگ لازم از کشورهای دیگر فشار بیشتری را بر دولت آورد و راه رسیدن به خواسته ها را تسهیل تر و هموارتر سازد.

کارگران معدن در این راه نیز اقداماتی انجام داده اند مثلا در بنداری که ژغال سنگ وارد میشود و نظیر آن به برگزاری پیکت پرداختند که با زهم پلیس مسا ممانعت بعمل آوردن از آن به دستگیری و ضرب و شتم کارگران پرداخته است. آنچه بطور کلی موقعیت طبقه کارگر و بخصوص در شرایط کنونی اعتصاب کارگران معدن را رنج میدهد عدم وجود یک رهبری انقلابی است که بتواند این پتانسیل مبارزاتی و انقلابی کارگران را به پیروزی رسانده امروز سخنان و اظهارات تند و تیز آقای اسکارگیل رئیس اتحادیه عمومی کارگران معدن بریتانیا و آقای طکرگر مدیر عامل واری اتحادیه کارگران معدن در اسکاتلند بر علیه آقای طکرگر مدیر عامل واری اتحادیه کارگران معدن بریتانیا و خانم تاچسر ممکن است این توهم را بوجود آورد که کویا رهبری این اعتصاب قاطعانه بخاطر منافع طبقه کارگر مبارزه میکند اما واقعیت چیز دیگری است و این ریشه در فرم تشکیلاتی نرید یونیونسی حاکم برجستنی کارگری انگلستان دارد و تنها به آقای اسکارگیل و غیره خلاصه نمی شود و به منظور روشن کردن مسئله حقایق به آن می پردازیم. اساسا رهبری حاکم بر این جنبش نمتنها نمایندگان واقعی طبقه کارگر نمی باشند بلکه بالعموم بجنوبی نمایندگان سرمایه داران و محافظ منافع آنان میباشند و تجربه نشان داده است که علیرغم آمادگی کامل طبقه کارگر برای مبارزه این رهبری بوده که بارها از تصویق یافتن مبارزات کارگران جلوگیری بعمل آورده و جنبش را به شکست کشانده است. آقای اسکارگیل یکی از به اصطلاح رادیکالترین رهبران اتحادیه های صنعتی کارگران در درجه اول پایه رسمیت شناختن قوانین حکومت افبره یالیستی به کارگران میگوید که در این چارچوب میتوانند به خواستهای شان برسند و در نتیجه این مبارزات از چارچوب خواستهای اقتصادی پارافراتر نهاده و به همانجا ختم می گردند. در حالیکه تاریخ نشان داده است

بقیه در صفحه ۴

مگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران!

پوزش و تصحیح

در ستاد شماره ۲۶، در مقاله "شوروی در کمپانقلاب با ضد انقلاب؟" صفحه ۳، مستون ۲، بار اگراف آخر و دنباله این در صفحه ۴ تا آخر پارا-گراف چندین جمله جا به جا به چاپ رسیده که بدین وسیله از خوانندگان عزیز پوزش طلبیده و صحیح آنرا در پائین می آوریم.

سیاست های داخلی و خارجی "شوروی" دوروی سکه زردی را تشکیل میدهد که در رقابت سختی بر بیشتر جهات با امپریالیست های غربی بیوژه آمریکا قرار دارد. با نگاهی کوتاه به آمار و ارقام متوجه خواهیم شد که بطور سالانه مقدار وامگیری شوروی از کشورهای غربی سیر صعودی را طی کرده است. خارج از نهن خواهد بود چنانچه تصور شود این وام گیریها بر اثر کمبود سرمایه کافی برای بهبود وضع اقتصادی شوروی بوده است چرا که همزمان با آن میزان وام های داده شده به کشورهای عقب مانده یا "در حال رشد" افزایش پیدا کرده است.

وام های گرفته شده توسط شوروی

۵۲۰ میلیون دلار در سالهای ۳۰ - ۱۹۵۸

۱۵۰ میلیون دلار در سالهای ۶۹ - ۱۹۶۴

۵۰۰۰ میلیون دلار در سالهای ۳۰ - ۱۹۷۰

جمع ۵۷۲۰

وامی که شوروی در زیر عنوان "موافقت های همکاری اقتصادی و فنی" به ۴۰ کشور عقب مانده طی سالهای ۳۰ - ۱۹۵۴ داده ۸۳۰۰ میلیون دلار بوده است. این بیاناتگر چیست؟ آنچه که مسلم است اینوامها

ها برای مصرف داخلی گرفته نشده است چرا که تقریباً بهمان نسبت به کشورهای عقب افتاده وام داده است. واقعیتی دیگر اینکه برخلاف آنچه که حکامان مرتجع شوروی میخواهند وانمود کنند، داده به مهربانتر از مادر هم ننده اند که از طرفی وام بگیرند و از طرفی برای کمک دوستی تحویل کشورهای عقب افتاده یا به اصطلاح خردشان "در حال رشد" بدهند چرا که تمام وامها با سود بوده است.

اخبار جهان بقیه از صفحه ۱۲

اریتره مبارزات خلق اریتره که تقریباً اکثر خاک کشور را آزاد ساخته و بجز ۵ شهر بقیه مناطق در دست انقلابیون بود در سال ۱۹۷۷ متحمل شکست های زیادی گردید. بجز شهر "نکفا" که پایتخت این کشور است و بر اثر بمبارانهای فراوان تقریباً با خاک یکساخته شد تمام مناطق بدست مزدوران ارتش اتیوپی سقوط کرد. جنگهای جدید که از ۴ ماه پیش آغاز شد ضربات سهمگینی به ارتش اتیوپی وارد کرده، در این جنگها بیش از ۴۰۰۰ (چهار هزار) نظامیان اتیوپی به درک واصل شده و ۲۵۰۰ نفر اسیر میشوند. شهرهای "تمسنی"، "الفنا" بدست ارتش آزادیبخش اریتره افتاده و نبرد برلی گرفتن شهرهای "کرن" و "افابت" در استان ساحلی که از مناطق بسیار اهمیت نظامی است ادامه دارد. طی این درگیریها ۳ پادگان مهم ارتش اتیوپی در این مناطق سقوط کرد و سلاحها و مهمات زیادی از قبیل تانک و نفربر و ... بدست ارتش آزادیبخش خلق اریتره افتاد. از این سلاحها در درگیریهای جدید استفاده زیادی شده است. ارتش اتیوپی صد هزار قوای نظامی برای سرکوبی خلق اریتره بسیج نموده که مسلح به سلاحهای مدرن ساخت ابر قدرت شوروی میباشد. اخیراً بر اثر بمبارانهای شهرهای اریتره، یک میگ ۳۳ ساخت شوروی سرنگون شد و خلبان آن به جمع ۲۵۰۰ نفر اسیر ارتش اتیوپی اضافه گردید. حملات ایندوره مبارزین اریتره بسیار موفقیت آمیز بوده و سرزمین های زیادی را آزاد کرده است.

بر اثر قحطی شدید در مناطق اتیوپی و اریتره، ناظران آلمان، انگلیس، فرانسه و نوروژ به تقاضای نمایندگان ارتش آزادیبخش اریتره برای کمک رسانی به ۱/۲ میلیون مردم گرسنه از این کشور بازدید کردند. نزدیک به ۶ میلیون نفر نیز در اتیوپی با خطر جدی مرگ مواجه هستند و دولت اتیوپی از سازمانهای مختلف جهانی برای نجات گرسنگان تقاضای کمک کرده است.

پرو

همزمان با چهارمین سالگرد آغاز انقلاب مسلحانه خلقهای پسرده انقلابیون آن کشور برهبری حزب کمونیست پرو ایستگاه رادیو نسی شهر "هوانتا" را به تصرف خود در آوردند. انقلابیون پرو که در مناطق کوههای آند و استان آیا کوچو مناطق آزاد شده دارند در شرایط حکومت نظامی به شهر هوانتا که در ۵۰ مایلی آیا کوچو قرار دارد یورش بردند و یک نوار نیم ساعته که قبلاً ضبط شده بود از طریق رادیو پخش نمودند. در این نوار اعلام شد که حملات وسیعتری بزودی از طرف انقلابیون پرو صورت خواهد گرفت. وسعت سرزمینهای آزاد شده توسط انقلابیون پرو برابر مجموع مساحت کشورهای بلژیک و هلند میباشد.

در عملیات دیگری در بخش "هواما نگیولا" انقلابیون که قبلاً مزدوران رژیم را شناسائی کرده بودند با تشکیل دادگاه خلق در این منطقه ۲ تن از آنان را با رای مردم اعدام نمودند. یکی از آنان شهردار به اصطلاح چپ منطقه و دیگری یکی از مسئولین سابق بهداری منطقه بود که برای رژیم جاسوسی مینمود. بقیه در صفحه ۸



فرماندهی
حماس روح ضلع

"پلورالیسم" ... بقیه از صفحه ۱

امپریالیسم آمریکا نیز جنایات بی‌شمار خود را در پی تمام "حفظ تمدن و آزادی" مصر - فی حکم - حکومت پهلوی و حشمتی خمینی هم بر تمامی جنایات و ستمگری‌هایش "حاکمیت الهی" و "آزادی اسلامی" میزند که سبب نیرازی در روش نیریزد.

در این میان پس از سرنگونی رژیم شاه و افشای جنایات امپریالیسم آمریکا و گذشت ۵ سال از حاکمیت جمهوری اسلامی در زمینه عدم ثبات رژیم در ایران و نفرت عمیقی که مردم از دستگاه جمهوری اسلامی بداند دارند فرصت طلبان و ضد انقلابیون می‌گویند که در تمامی طول مبارزات مردم ما بر علیه حاکمیت‌های استبدادی شاه و خمینی‌سوی روزی در کنار آن یکی و امروز هم‌داستان یکی بودند. مانند ناگهان با جابجایی جناب‌های ضد انقلابی سعی در مطرح کردن خود در سطح مبارزات مردم کردند تا به یمن جان‌بازی نیروهای انقلابی در تغییر و تحولات در راه کلاسی از این عهد برای خود بدویند. پس از ماه‌ها همکاری پنهان و برخاست‌های آشکار و پنهان با نمایندگان امپریالیست‌های غربی و "صلت تاریخی" جناب‌های سرسپرده و وابسته امینی و بختیار و نشانیدن "تاج پادشاهی" بر سر فرزند جبهون محمد رضا شاه آنهم در یاری و پیام‌های کدائی به ارتشیان فراری پوخته "بازگشت" به بهشت سرمایه‌داریشان رجال‌گان سیاسی و عناصر ساواکی "نهضت مقاومت - ملی" برای ابراز وجود منحوس خود در هفته‌های گذشته با حمل جاذب و پنج‌سه بوکس برای تبلیغات ضد انقلابی با هواداران سازمانها در محوطه دانشگاه - پاریس به زد و خورد میریزانند. اینان درینا شعارهای پیچ "ملی گراشی" و "پلورالیسم فکری" با خاک پاشیدن به چشم مردم قصد ایجاد روابط - اسارت‌گرفته را در قالب "مدن" و "ایرانی" (به‌ترتیب اینان) دارند. و رشک‌تنگان سیاسی و روانه شدگان از بزرگترین صحنه رای گیری و اجرای دموکراسی معاصر مردم ایران یعنی قیام بهمن ۵۷، امروز که حاکمیت مرتجع خمینی با پشت پا زدن بر آرزوهای آزادخواهان و استقلال طلبانه مردمان روی جلا ان محمد - رضائیان را سفید کرده مفلوکه نام از "پلورالیسم" و حکومت "سیاسی اجتماعی" شان (که این دیگر معلوم نیست چه صیفی است) میزنند بی آنکه رای قاطع اکثریت مردم ایران را در سرنگونی سلطنت و زواید از نوع بختیارش بیاد بیآورند و در

پناه جبهه کدائی "مقاومت ملیشان" نسخه حکومت قانونی مشروطه "در کنار" مملکتان استبداد از قماش امینی و شازده‌های قاجاری پهلوی برای مردم ایران می‌پیچند. یاناشیانه خود را پاسداران "فرهنگ و سنن ایرانی" جایی زنند بی آنکه مغزعلیشان به این واقعیت رسیده باشد که فرهنگ و سنن که امروز برای مردم ایران برای بقای خود مطرح است فرهنگی مبارزاتی در مقابل هجوم شاهانه‌ها و حزب‌الهی‌ها و پشتیبانان امپریالیست‌شان به سنن انقلابی و آزادخواهان‌شان می‌باشد نه نمره‌های بدستانه شستی ساواکی و سرمایه‌دار - فراری در کا بانه‌ها و کلوپ‌های پایتخت‌های اروپائی که سرود خوانان بیاد "صیبن از دست رفتنشان برای" هجوم غراب "به" سرزمین آریائیها "اشک تصاح می ریزند. و آنجا که حضور یارکشان در میان هواداران سازمانهای انقلابی بخاطر کارنامه سیاه همکارهایشان با ارتجاع سرنگون شده و کتونی تحمل نمی‌شود آنان را "مجرمان فاشیسم" و عناصر "گروه‌های تروریستی" خطاب میکنند. که البته جای تعجبی هم نیست که غیر از خود و عناصر متزلزل لیبرالی که از مواضع تیپ‌وراست بتازگی با طولانی شدن مبارزه بی‌خ‌هم‌زیستی با این مرتجعین راه - گردن خود انداخته‌اند هیچ موجود دیگری در واقعیت از "پلورالیسم" اینان بهره نخواهد برد.

به اعتقاد ما حوادث دانشگاه پاریس در ارتباط با توطئه‌های جدید امپریالیسم در مطرح کردن نیروهای ضد انقلابی رانده شده از ایران و در پروسه آن پیوند این میانان با عناصر و محافظان و بیرون حکومتی رژیم جمهوری اسلامی بعنوان کم‌خطرترین آلترناتیو ضد انقلابی در مقابل حوادث بزرگ سیاسی مبارزاتی است که در آینده ای نه دور انتظار جامعه ایران را میکشد.

بسی شک همچون گذشته جنبش مبارز دانشجویی خارج از کشور نیز با طرد و افشای این محافظان و عناصر ضد انقلابی در راه اتحاد و مبارزه بر علیه هر دو ارتجاع غالب (خمینی) و سرنگون شده (شاه) و حامیان امپریالیست‌شان قدم‌های سوترتری خواهد برداشت.

وقایع جنوب آفریقا

داده بود که احتمال دستگیری و تحویل عده‌ای از اعضا ک.م.آ. توسط پلیس سوازیلی لند به آفریقای جنوبی می‌رود. نخست وزیر سوازیلی لند در بیانیه‌ای اظهار داشته است که اعضا ک.م.آ. قوانین بناهندگی را زیر پا گذاشته و خطر جدی برای مردم آن کشور بحساب می‌آیند. بنا بر این با این شرایط کشور سوازیلی لند قادر به اجازه دادن به اعضا ک.م.آ. نمی‌باشد. بر اساس گزارش تلویزیون آفریقای جنوبی، کمیسیون نظارت آفریقای جنوبی با آنگولا عده‌ای از جریکهای سواجو را کشته‌اند. تلویزیون جدید ۳ نفر از آنان را نشان داد بعد از دیدار نمایندگان ۶ کشور جبهه مقدم (تا نزا نیازا میبایت سوانا، سیمبا بومبا، آنگولا، موزامبیک) جهت بررسی قراردادها و صلح بین آنگولا و موزامبیک با آفریقای جنوبی که در تانزانیا صورت گرفت. دو کشور آنگولا و موزامبیک خسارتی خود را از نتایج این مذاکره اعلام نمودند. در این باره باز خواهد هم نوشت.

در تکمیل مقاله‌ای که در مورد وقایع اخیر در آفریقا نوشته شده، بعد از نوشتن مقاله اخبار بیشتری بدستمان رسید که در تکمیل دادن مقاله به ما کمک می‌کند.

هیچ عضو "کنگره ملی آفریقا" (ک.م.آ.) حق اقامت در موزامبیک را ندارد و از تمام اعضا این سازمان خواسته شده است که با کشور را ترک کنند و یا در اردوگاه‌های مخصوص تحت نظارت "کمیسیون عالی پناهندگان سازمان ملل متحد" اسکان گزینند. ک.م.آ. حق رفت و آمد به این اردوگاه‌ها را نخواهد داشت. اعضا ک.م.آ. که به رژیم موزامبیک اطمینان ندارد در حال خروج از آن کشور و رفتن به تانزانیا، اتیوپی و سوازیلی لند هستند. اعضا ک.م.آ. در - گیری‌های مختلف با پلیس و ارتش سوازیلی لند چند نفر از آنان را کشته و زخمی مینمایند. تعدادی از زخمیان ارتش سوازیلی لند جهت معالجه به آفریقای جنوبی فرستاده شده‌اند و دو نفر از اعضا ک.م.آ. در این درگیریها کشته شده‌اند. اطلاعاتی که از طرف دفتر ک.م.آ. در لوزاکا قبل از درگیریها صادر گردیده هشدار

بخوانید و ...

در محاصره اقتصادی ایران، ژاپن در کنار امپریالیسم آمریکا و سایر قدرت های چپاولگر قرارداد داشت. همچنین برنامه های آمریکا در مورد تنگه هرمز به انحاء مختلف مورد تایید ژاپن بوده است.

اطلاعات
شماره ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۶۳
شماره ۱۷۲۹۹
ژاپن: بسوی همراهی کامل نظامی با آمریکا

اطلاعات
شماره ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۶۳
صبح امروز:
دکتر ولایتی با وزیر امور خارجه ژاپن دیدار کرد
دکتر علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه کنونی، بعد از ظهر دیروز در راس یک هیئت عالی رتبه سیاسی اقتصادی به منظور دیدار رسمی از کشور های ژاپن و مالزی ...

دیگبه دیگ میگه روتسیاه

سازمان عفو بین المللی نیز اعتراف می کند اعمال شکنجه های جسمی و روحی در زندان ها و سیاهچالهای رژیم بعثی عراق

سازمان عفو بین المللی بر اساس مصاحبه ها و ممانعت پزشکی که در مورد پانزده تن از عراقیهای تبیینی انجام گرفته است در گزارش خود می افزاید این تعداد در عراق از سوی مأموران امنیتی صدام با شکنجه مورد بازجویی قرار گرفتند. بعضی از این افراد گفتند مأموران امنیتی مراقب با توسل به سوزاندن بدن توسط آتش سیگار اصرار در مطلع شدن از عقاید و نظرات سیاسی آنها داشتند. بعضی از این افراد نیز هنوز از ناراحتی های صبح و آفسردگی ناشی از شکنجه رنج می برند.

مسلمانان و مخالفین رژیم بعثی صهیونیستی حاکم بر بغداد در زندان ها و سیاه چال های مخوف زیر شکنجه های کابردست در خیابان صدام صورت میگیرد جان خود را از دست می دهند. بگزارش واحد مرکزی خبر سازمان عفو بین المللی در قسمتی از گزارش خود تحت عنوان شکنجه در سال های دهه ۱۹۸۰ مینویسد: اعمال شکنجه های گوناگون از جمله وارد ساختن ضربات مشت و لگد و با طوم و استفاده از شوک های الکتریکی و اعدام های قلابی برای بسیاری از زندانیان سیاسی عراق آسیب های جسمی و روحی دانی بیار آورده است.

وعدو نوید های آیت الله مکی در دیدار با کتا و رزان اندک زمانی کتا و رزی ما شکوفا خواهد شد بطوریکه محصولات کتا و رزی ما حتی به خارج از کشور صادر خواهد شد. وی خطاب به کتا و رزان افزود از دعوت و روستاها مهاجرت نکنید و به شهرها هجوم نیاورید و سعادت کشور خود را از بین نبرید.

اطلاعات

مظلمن با عید انشا الله زمانی که جنگ تحمیلی با پیروزی نهائی رزمندگان اسلام خاتمه پذیرد و جوانان ما باز گردند در